

رویکرد فقه الحدیثی علامه طباطبائی نسبت به روایات الدرالمنثور در قالب بحث های روایی تفسیر المیزان

جواد جمشیدی حسن آبادی^۱

امان اله ناصری کریموند^۲

چکیده

بهره گیری و استفاده از روایات معصومین (ع) به عنوان ثقل اصغر یکی از مهم ترین و اساسی ترین منابع تفسیری برای هر مفسر می باشد، اما مفسرین در شیوه ی گزینش روایات ملاک و معیارهای متفاوتی دارند. علامه طباطبائی در تفسیرش با توجه به ملاک و معیارهای اصیل فقه الحدیثی به صورت تخصصی به بررسی و نقد شیوه ی بهره گیری مفسرین از روایات تفسیری پرداخته است و در این میان یکی از این تفاسیر؛ تفسیر الدرالمنثور سیوطی می باشد که مولف المیزان با توجه به معیارها و مولفه های فقه الحدیثی از جوانب مختلفی از جمله: تأیید روایات الدرالمنثور به دلایلی، استناد به روایات الدرالمنثور در مواردی، رد و نقد روایات الدرالمنثور با معیارهای فقه الحدیثی متعددی و گاهی نیز ذکر روایات الدرالمنثور بدون قضاوت و اظهار نظر به بررسی و تحلیل روایات این تفسیر پرداخته است. در این نوشتار انواع رویکرد فقه الحدیثی علامه طباطبائی نسبت به روایات الدرالمنثور مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: الدرالمنثور، المیزان، فقه الحدیث، بررسی و نقد روایات.

۱. مقدمه

باتوجه نقش اساسی و راهگشای روایات وارده از پیامبر (ص) و معصومین (ع) در تفسیر آیات قرآن کریم، مفسران نیازی ضروری و مبرم به بهره گیری و استمداد از این منبع عظیم جهت کشف معانی و مفاهیم آیات دارند. اما با توجه به فراز و نشیب های واقع شده در تاریخ حدیث (وقایع قرن اول از جمله: منع نقل و نگارش، ورود اسرائیلیات و جعل و...) (معارف، تاریخ عمومی حدیث: ۶۷-۷۴) و همچنین تأکید قرآن (حجرات ۶)، فرمایشات معصومین (ع) (کلینی، الکافی، ج ۱: ۸۸) و همچنین بیانات دانشمندان و علمای اسلامی (مبانی و روش های مقدمتین حدیث: ۵۷) در ارزیابی اخبار و روایات، استفاده از روایات دقت ویژه ای می طلبد و گزینش و بررسی فقه الحدیثی روایات قبل از استفاده ی تفسیری اهمیتی چندبرابر پیدا می کند. ولی برخی از مفسران در بهره گیری از روایات، بدون توجه لازم به قوانین فقه الحدیثی روایاتی را در تفاسیرشان ذکر کرده اند و در نتیجه باعث ضعف دیدگاه و نقص تفسیر شان شده است تا این که در قرن معاصر علامه طباطبائی در تفسیر المیزان با طرح موضوعی به نام «بحث های روایی» به طور گسترده به بررسی بهره گیری مفسرین مختلف از روایات پرداخته و به گونه های مختلف در این مورد اظهار نظر نموده است. این پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که مولف المیزان چه رویکردی به روایات تفسیر الدرالمنثور داشته و با چه استناداتی به بررسی و قضاوت پیرامون آن پرداخته است؟

^۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، javadjamshidi66@yahoo.com

^۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، amannasari@gmail.com

۲. انواع رویکرد علامه طباطبائی نسبت به بحث های روایی تفسیر الدر المنثور

۲.۱. تأیید روایات الدر المنثور

این تفسیر از مهم ترین تفاسیر اهل سنت به شمار رفته و همچنین یکی از منابع تفسیری علامه طباطبائی در تصنیف تفسیر المیزان می باشد (نقد و بررسی روایات الدر المنثور در تفسیر المیزان، مجله ی مشکوه، شماره ۱۱۲: ۴۸).

۲.۲. ملاک های تأیید روایات :

علامه گاهی روایات الدر المنثور را با توجه به ملاک های فقه الحدیثی تأیید می کند. در زیر به چند نمونه از این ملاک ها اشاره می شود:

۲.۳. مطابقت با قرآن

یکی از اساسی ترین ملاک های پذیرش حدیث؛ مطابقت آن با قرآن می باشد و در صورت تعارض باید آن را کنار گذاشت (علامه طباطبائی و نقد حدیث: ۲۵).

معصومین (ع) برای تشخیص احادیث صحیح از غیر صحیح ملاک و معیارهایی داشته و در این مورد دستوراتی فرموده اند، از جمله پیامبر (ص): «هرگاه حدیثی از من به شما رسید آن را به کتاب خدا (قرآن) عرضه کنید، آن را که مطابق کتاب خدا بود بپذیرید و آن را که مخالف قرآن بود رها کنید» (وسائل الشیعه، ج ۱۸، ۷۹، کافی، ج ۱: ۶۹ و همچنین بحار الانوار، ج ۱: ۱۴۵).

در الدر المنثور است که عبد بن حمید و ابن منذر از محمد بن علی نقل کرده اند که گفت: اهل هوا از همان کسانی اند که در آیات خدا خوض می کنند. (همان و همچنین رک: تفسیر عیاشی، ج ۱: ۳۶۲).

علامه طباطبائی: روایت همان طوری که ملاحظه می کنید شامل آیه هست، و در حقیقت در این روایات ملاکی که در آیه ذکر شده، اخذ گردیده است (ترجمه المیزان، ج ۷: ۲۱۸).

۲.۴. تأیید روایات الدر المنثور با روایات معصومین (ع) (به دلیل مطابقت با روایات معصومین (ع))

یکی از مهم ترین معیارهای سنجش روایات؛ عرضه بر روایات صحیح و معتمد است و اگر سخنی مخالف حدیث صحیح معصوم (ع) باشد، نباید آن را پذیرفت (شادی نفیسی، علامه طباطبائی و حدیث: ۵۴).

در تفسیر الدر المنثور ذیل آیه ی «مستغفرین بالاسحار» می نویسد: از ابن جریر، از جعفر بن محمد نقل شده که فرمود: هر کس پاسی از شب نماز بگذارد و در آخر شب هفتاد بار استغفار کند، از مستغفرین نوشته می شود (الدر المنثور، ج ۲: ۱۲).

مؤلف المیزان: این معنا در روایاتی دیگر از ائمه اهل بیت (ع) آمده و یکی از سنن رسول خدا (ص) است که از آن جناب ترک نمی شده است.. (رک: شیخ طوسی، فقیه، ج ۱، ص ۳۰۹، ح ۴ و شیخ صدوق، خصال: ۵۸۱، ح ۳). (ترجمه المیزان، ج ۳: ۱۸۶).

۲.۵. تأیید روایت به دلیل تواتر

متواتر بودن مهم ترین ملاک و معیار برای پذیرش و اعتبار روایات می باشد و در واقع تواتر مهر تأییدی است که بر روایات زده می شود و به منزله ی تأیید آن است (رک: مدیر شانه چی، درایه الحدیث: ۶۲-۶۱).

در الدر المنثور آمده است که طبرانی از زید بن ارقم روایت کرده که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: من پیشرو شمایم و قبل از شما از دنیا می روم و شما بعداً بر لبه ی حوض بر من وارد می شوید. پس مراقب باشید بعد از من چگونه با ثقلین رفتار کنید. شخصی پرسید: یا رسول الله ثقلین کدامند؟ فرمود: ثقل بزرگتر کتاب خدای عز و جل است و ثقل کوچکتر عترت من است و این دو ثقل هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند (الدر المنثور، ج ۲: ۶۰). مؤلف المیزان: حدیث ثقلین از اخبار متواتری است که شیعه و سنی در نقل و روایت آن اتفاق دارند (ترجمه المیزان، ج ۳، ۵۸۷).

۲, ۶. تأیید روایت به دلیل مشهور بودن

حدیث مشهور حدیثی است که نزد محدثین شایع و مشتهر باشد (مدیر شانه چی، علم الحدیث: ۱۸۱) و بنا بر اشتهاورد استفاده ی مفسرین قرار می گیرد. در الدر المنثور است که از پسر عمر روایت آورده که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: کسی که یک وجب از جماعت خارج شود، فلاحه اسلام را از گردن خود باز کرده مگر آنکه دو باره به جماعت برگردد و کسی که از دنیا برود در حالی که در تحت رهبری کسی که جامعه را رهبری کند نباشد به مرگ جاهلیت مرده است (مرگ او مرگ جاهلیت است) (الدر المنثور، ج ۲: ۶۱).

علامه طباطبایی: این روایت از حیث مضمون از روایات مشهور است، شیعه و سنی هر دو طایفه از رسول خدا ص نقل کرده اند که فرمود: کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است (ترجمه المیزان، ج ۳: ۵۹۰).

۲, ۷. تأیید روایات الدر المنثور با استناد به روایات دیگر (با ذکر شواهد دیگر)

علامه طباطبایی در برخی از موارد، روایات صحیح را ملاک پذیرش قرار داده و هرگاه حدیثی با آن احادیث مطابقت داشته باشد آن را مورد پذیرش قرار می دهد.

در الدر المنثور آمده است که ... از ابن عباس روایت کرده اند که در تفسیر آیه: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً» گفته است: این آیه در شأن علی بن ابی طالب نازل شد، که چهار درهم داشت یکی را در شب و دومی را در روز و سومی را پنهانی و چهارمی را علنی صدقه داد (تفسیر الدر المنثور، ج ۱: ۳۶۳). مؤلف المیزان در تأیید روایت فوق می نویسد: در تفسیر البرهان نقل شده که گروه کثیری از مفسرین (رک: تفسیر برهان، ج ۱: ۲۵۷) در تفسیرهای خود همین روایت را نقل کرده اند (ترجمه المیزان، ج ۲: ۶۲۴).

۳. توضیح و تشریح و رفع اشکال و ابهام از روایات الدر المنثور

در الدر المنثور است که در ذیل آیه «وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» فرمود: مقصود طائفه جن است و شیطان عقل هیچ کسی را که اسب فریه در خانه نگهدارد فاسد و خام نمی کند (الدر المنثور، ج ۳: ۱۹۸). علامه طباطبایی در تشریح روایت فوق می نویسد: در این معنا روایات دیگری نیز هست و خلاصه این روایات این است که می خواهد میان جمله «وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» با جمله «وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» ارتباط برقرار کند، و این از قبیل تطبیق مصداق با عموم است نه از باب تفسیر... (ترجمه المیزان، ج ۹: ۱۷۳).

۴. روایات بدون اظهار نظر

روش علامه طباطبایی در بررسی روایات در تفسیر المیزان عموماً به این صورت است که در اغلب موارد به نقد و رد روایات اقدام نموده و در مواردی نیز برخی از روایات را تأیید نموده اما گاهی برخی از روایات را ذکر کرده و نظر خاصی اعم از نقد و رد یا پذیرش ابراز نکرده است.

در الدر المنثور از ابن عباس روایت کرده که گفت: وقتی خدای تعالی آیه: «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» و آیه: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ» نازل شد، کسانی که یتیمی در خانه خود داشتند طعام و شراب خود را از طعام و شراب یتیم جدا نموده، سهم او را بیشتر از سهم خود می دادند و اگر یتیم نمی توانست همه آن طعام و نوشیدنی را مصرف کند و زیاد می آمد، زیادیش را هم مصرف نمی کردند تا فاسد شود و این برای آنان دشوار بود، لا جرم جریان را به عرض رسول خدا ص رساندند خدای تعالی این آیه را نازل کرد: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ، قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ، وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ» از آن پس سفره خود و ایتم را یکی کردند با آنها خوردند و نوشیدند (در المنثور، ج ۱: ۲۵۵).

علامه بعد از ذکر این روایت بدون ذکر هیچ نظری می نویسد: این معنا از سعید بن جبیر و عطا و قتاده نیز روایت شده است (ترجمه المیزان، ج ۲: ۳۰۱).

۵. رد روایات تفسیر الدرالمنثور

با بررسی دقیق نظرات علامه طباطبایی ذیل روایات الدرالمنثور این حقیقت به دست می آید که مولف المیزان بیش از موارد دیگر به نقد روایات و بررسی دیدگاه مفسر الدرالمنثور پرداخته است که البته علامه با استناد و استدلال محکم به نقد روایات و رد اجتهاد مفسر مذکور پرداخته است که در ذیل آن علل و عوامل مورد بحث قرار می گیرد:

۵.۱. ملاک و معیارهای نقد و رد روایات:

مولف المیزان با دو دیدگاه به نقد و رد روایات الدرالمنثور اقدام نموده است: در برخی از موارد روایات را بدون توجه به دیدگاه مفسر مورد بررسی قرار می دهد و گاهی نیز نوع بهره گیری مفسر از روایات را مورد نقد قرار می دهد، در زیر به این دو نوع دیدگاه با ذکر مواردی همراه با نمونه هایی مورد بحث قرار می گیرد:

۵.۲. نقد و رد روایات بدون لحاظ نظر مفسر الدرالمنثور

گاهی روایات نقل شده در الدرالمنثور بدون توجه به استفاده ی سیوطی از آن ها و به خودی خود دچار ضعف و نقصان می باشند، در زیر به برخی از ضعف ها و عللی که علامه روایات الدرالمنثور را مورد نقد قرار داده است، پرداخته می شود:

۵.۳. نسبت گناه به فرشتگان معصوم و مقرب الهی

عصمت فرشتگان یک اصل مبرهن و پذیرفته شده در عقاید اسلامی است و خداوند متعال در قرآن کریم از فرشتگان با عنوان «عباد مکرمون» نام برده و آنان را از هرگونه خطا و اشتباهی مصون می داند ولی در برخی از روایات تفسیر الدرالمنثور (تفسیر الدر المنثور، ج ۱: ۹۷ و همچنین: ج ۱: ۹۷-۱۰۰)، تهمت های ناروایی به

فرشتگان (هاروت و ماروت) نسبت داده شده است که علامه طباطبایی به بررسی و نقد این گونه روایات پرداخته است (ترجمه المیزان، ج ۱: ۳۶۰)

۵, ۴. نسبت زنا به پیامبران الهی

عصمت انبیاء(ع) یک اصل مسلم از اصول عقاید اسلام است ولی در برخی از روایات الدرالمنثور این اصل اعتقادی نقض شده است، به نمونه ای از این گونه روایات اشاره می شود:

در مورد داستان یوسف(ع) و زلیخا روایات بسیاری نقل شده که در برخی از این روایات تهمت هایی به پیامبر خدا زده شده است. از جمله سیوطی ذیل جمله ی «هم بها و همت به لولا ان برهان ربه» روایتی را نقل می کند: یعقوب در برابرش مجسم شده و ضربه ای به سینه اش زد که در یک لحظه شهوتش از سر انگشتانش بریخت. این روایت را الدر المنثور از مجاهد و عکرمه و ابن جبیر آورده و به غیر این، روایات دیگری هم آورده است(الدر المنثور، ج ۴: ۱۳).

نویسنده المیزان: جواب روایت سیوطی این است که علاوه بر اینکه یوسف (ع) پیغمبر و دارای مقام عصمت الهی بوده و عصمت، او را از هر لغزش و گناهی حفظ می کرد،جای هیچ تردیدی باقی نمی گذارد که او پاک دامن تر و بلند مرتبه تر از آن بوده که امثال این پلیدیها را به وی نسبت دهند(ترجمه المیزان، ج ۱۱: ۱۷۸).

۵, ۵. روایات مبنی بر تحریف قرآن

بحث تحریف قرآن یکی از مباحث جنجال بر انگیز بوده که از طرف دشمنان اسلام و گاهی از طرف دوستان نابخرد برای کم اهمیت جلوه دادن قرآن کریم و ناقص بودن آن مطرح شده است که از نظر محققان فاقد اعتبار است.(تحریف ناپذیری قرآن/۹) ولی سیوطی برخی از روایات که سند صحیحی هم ندارند؛ مبنی بر تحریف قرآن را نقل کرده است. که علامه طباطبایی این گونه روایات را مردود و بی ارزش شمرده است:

در الدر المنثور است که مالک و عبد الرزاق از عایشه روایت آورده اند که گفت: در زمان رسول خدا (ص) آیه شریفه نخست «اللّاتی ارضعنکم عشر رضعات معلومات» از جمله آیاتی که جزء قرآن بود، سپس نسخ شد.... (الدر المنثور، ج ۲: ۱۳۵).

مؤلف المیزان می نویسد: قریب به این معنا به چند طریق دیگر در آن کتاب روایت شده، ولی همه آنها به خاطر اینکه جزء روایات تحریف و مخالف با قرآن کریم است، مردود می باشد (ترجمه المیزان، ج ۴: ۴۵۰).

۵, ۶. رد اخبار آحاد

خبر آحاد؛ خبری است که یک یا چند نفر که به خودی خود از گفته ی آنان علم به مضمون خبر حاصل نمی شود، آن را نقل کرده اند.(مدیر شانه چی، درایه الحدیث، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۸۴) شیخ طوسی در مورد عدم حجیت اخبار آحاد چنین می نویسد: ... سزاوار است به ادله ی صحیح عقلی یا شرعی از قبیل اجماع یا روایت متواتر کسانی که پیروی از سخنانشان واجب است، رجوع شود و در این مورد خبر واحد پذیرفتنی نیست(شیخ طوسی، التبیان، ج ۱: ۶-۷).

سیوطی در الدر المنثور (الدر المنثور، ج ۲: ۱۴) خبر واحدی نقل کرده که علامه طباطبایی در رد آن مینویسد: این روایت خبر واحد است و قوت و اعتباری را که باید داشته باشند، ندارند(ترجمه المیزان، ج ۳: ۱۹۹).

۵, ۷. مخالفت روایت با روایات معصومین(ع)

یکی از معیارهای مهم سنجش روایات، مراجعه به روایات معصومین(ع) می باشد. که بعد از قرآن بیشترین حجیت را دارند، ولی برخی از روایات الدر المنثور با روایات صحیح معصومین(ع) مخالف و متعارضند که مولف المیزان به نقد و رد این گونه روایات پرداخته است. در زیر نمونه ای از این گونه موارد ذکر می شود:

در الدر المنثور است که ابن ابی حاتم از عطای خراسانی نقل کرده که گفت عمر بن خطاب و عثمان بن عفان و علی بن ابی طالب و ابن عباس و زید بن ثابت و معاویه در این مساله که محرم اگر شکاری را بکشد چه کفاره ای به عهده اش می آید حکم کرده اند به اینکه باید دید قیمت آن شکار چقدر بوده است، با همان مبلغ اطعام مسکین کند (الدر المنثور، ج ۲: ۳۳۰).

علامه طباطبایی می نویسد: روایاتی که از طرق اهل بیت (ع) نقل شده با آن روایات مخالفت دارند(ترجمه المیزان، ج ۶: ۲۱۵).

۵, ۸. ناسازگاری با اصول اعتقادی

یکی از معیارهای سنجش روایات مطابقت با اصول اعتقادی اسلام می باشد و اگر روایتی با این اصول مسلم سازگار نباشد، مورد پذیرش قرار نمی گیرد. استاد جوادی عاملی در تفسیر تسنیم حوزه ی اعتقادات را از حوزه ی احکام عملی متمایز می داند و می نویسد:.... برای پذیرش عقاید ابتدا باید به قطع و یقین رسید سپس آن را قبول کرد (جوادی آملی، تسنیم، ج ۱: ۱۵۶) اما سیوطی (الدر المنثور، ج ۲: ۹۵). روایاتی را نقل نموده که درست مقابل عقیده ی اسلامی قرار می گیرد.

که علامه در نقد نظر سیوطی می نویسد:.....به نظر ما این روایات درست نیستبرای اینکه وقتی مطلبی در روایتی آمد که با اصول مسلمة اعتقادی سازگار نیست.... (ترجمه المیزان، ج ۴: ۱۱۳-۱۱۲).

۵, ۹. ناسازگاری با عقل

مخالفت با سنجش عقلی یکی از راه های شناخت احادیث سره از ناسره است که همه ی پژوهشگران و محققان اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت آن را قبول دارند(رک: الدمین، مقایسه نقد: ۲۲۳).

در الدر المنثور است که آیه ی: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» بعد از مسلمان شدن عمر نازل شد... (الدر المنثور، ج ۳: ۲۰۰) علامه طباطبایی در رد روایت فوق می نویسد: ...این معنا با عقل درست در نمی آید... (ترجمه المیزان، ج ۹: ۱۷۵).

۵, ۱۰. رد اجتهاد مفسر در بهره گیری از روایات

در زیر به علل و عواملی که علامه طباطبایی اجتهاد سیوطی در بهره گیری از روایات را مورد نقد قرار داده است، پرداخته می شود:

۵, ۱۱. ناسازگاری روایت با سیاق آیات

سیوطی در تفسیرش دسته ای از روایات را بدون توجه به سیاق آیات ذکر نموده است که این خود یکی از آسیب های تفسیری سیوطی در الدر المنثور می باشد. که در چند مورد صورت گرفته است:

۵. ۱۲. ناسازگاری مضمون روایت با سیاق آیات

استفاده از روایات برای تشریح و فهم معنای آیات است و این در صورتی است که روایات معنای مورد نظر آیه را روشن کند. در غیر این صورت به کارگیری روایات خالی از فایده خواهد بود. (سهراب مروتی و امان اله ناصری، روش علامه طباطبایی در بررسی و نقد تفاسیر روایی با تکیه بر قاعده سیاق، مجله حدیث پژوهی کاشان، شماره هشتم: ۲۱۹) در زیر به نمونه ای از این گونه موارد که علامه چگونگی استفاده از روایات در تفسیر الدر المنثور را نقد کرده است؛ مورد بررسی قرار می دهیم:

در الدر المنثور است که ابن جریر از مجاهد روایت کرده که گفت: اصحاب از رسول خدا (ص) مساله خمس را پرسیدند که وقتی چهار پنجم غنیمت بین لشکریان تقسیم شود یک پنجم آن چه می شود؟ آیه ی «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ» (انفال/ ۱) نازل شد (الدر المنثور، ج ۳: ۱۵۹).

مؤلف المیزان: این روایت هم با مضمون آیه به آن بیانی که ما از سیاق آیه در آورديم مطابقت نمی کند، و در بعضی از روایاتی که از مفسرین صدر اول از قبیل سعید بن جبیر و مجاهد و عکرمه و همچنین از ابن عباس رسیده دارد که آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ...» با آیه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ...» نسخ شده، و احتمال نسخ نفی می شود (ترجمه المیزان، ج ۹: ۱۸).

۵. ۱۳. تشخیص سبب نزول از شأن نزول

شأن نزول و سبب نزول دو اصطلاح نزدیک به هم اما متفاوت هستند و هر کدام کاربردی متفاوتی دارد که سیوطی در برخی از مواقع این دو اصلاح را به جای هم به کار برده است و بر همین اساس مؤلف المیزان در مواردی به نقد نوع کاربردهای نامناسب پرداخته است. در زیر نمونه ای ذکر می شود:

در الدر المنثور است که ابن ابی حاتم از مقاتل روایت کرده... که سبب نزول آیه ی «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ...»...می باشد. که علامه طباطبایی ذیل آن می نویسد: در این جا سبب نزول آیه را به جای شأن نزول آن ذکر کرده است (ترجمه المیزان، ج ۱۵: ۱۲۱).

۵. ۱۴. تشخیص ناصواب ناسخ از منسوخ

در تفسیر الدر المنثور است که ابو داود و نحاس هر دو در کتاب ناسخ خود، و ابن منذر از طریق عطا از ابن عباس روایت کرده که گفت: آیه: «وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ» بوسیله آیه «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا...» نسخ شده است (الدر المنثور، ج ۲: ۱۲۲).

مؤلف تفسیر المیزان: باید گفت که منسوخ شدن آیه با معیارها و موازین نسخ سازگار نیست زیرا در میان آیات قرآن کریم، آیه ای نیست که نسبتش با این آیه نسبت ناسخ با منسوخ باشد... پس حق مطلب این است که آیه مورد بحث نسخ نشده، و دو روایت بالا علاوه بر اینکه ضعیف است، به خاطر مخالفتی که با کتاب دارد طرح می شود (ترجمه المیزان، ج ۴: ۲۸۴).

۱۵، ۵. تشخیص ناصواب عام و خاص

در الدر المنثور است که ابن منذر از ابن جریح روایت کرده که در ذیل آیه «وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ» گفته این آیه در باره کسانی از اصحاب رسول خدا (ص) نازل شده که در جنگ احد کشته شدند (الدر المنثور، ج ۶ : ۴۸).

علامه طباطبائی در نقد دیدگاه سیوطی می نویسد: این آیه عام است و سیاق استقبال در «سَيَهْدِيهِمْ وَيُصَلِّحُ بِاللَّهُمْ»، تنها با عمومیت سازگار است، نه با شهادی خاص. پس، از آیه شریفه برمی آید که در صدد بیان یک قاعده کلی است (ترجمه المیزان، ج ۱۸ : ۳۴۴).

۱۶، ۵. تشخیص و به کارگیری مطلق و مقید

در الدر المنثور است که سعید بن منصور و ابو الشیخ و ابن مردویه از ابن عباس روایت کرده که گفت: خدای عز و جل آیه شریفه: «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» - و آن آیه که دارد «الظالمون» و آنکه می فرماید: «الفاسقون» همه را در خصوص یهود نازل کرده (الدر المنثور، ج ۲ : ۲۸۶).

مؤلف المیزان بعد از ذکر این روایت می نویسد: این حدیث مورد اشکال است، زیرا آیات سه گانه مذکور همه مطلقند و شامل همه حکام و قاضیان جور می شوند... (ترجمه المیزان، ج ۵ : ۵۹۸-۵۹۷).

۱۷، ۵. لغزش و خطا در ذکر شأن نزول روایات ذیل آیات

در الدر المنثور است که ابن ابی حاتم، و ابن مردویه، از براء روایت کرده اند که در تفسیر آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ...» گفته است: درباره ی ما نازل شد که در خوفی شدید قرار داشتیم (الدر المنثور، ج ۵ : ۵۵).
مؤلف المیزان: ظاهر این روایت این است که مراد از «الَّذِينَ آمَنُوا» صحابه اند و آیه هیچگونه دلالتی بر این معنا ندارد بلکه بر خلاف آن دلالت می کند (ترجمه المیزان، ج ۱۵ : ۲۲۱).

۱۸، ۵. تطبیق ناصواب برخی از روایات با آیات

در الدر المنثور در تفسیر جمله «فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ» آمده که ابن ابی حاتم از جعفر بن محمد از پدرش (ع) روایت کرده که فرمود: جنگ تبوک آخرین جنگی بود که رسول خدا (ص) در آن شرکت جست، و آن را به مناسبت اینکه در آیه شریفه فرموده: «قَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ» غزوه حر و غزوه عسرت نیز نامیده اند (الدر المنثور ج ۳ : ۲۶۵).

صاحب المیزان: ظاهر آیه شریفه این است که آن عده این حرف را برای این زدند که دل مؤمنین را سرد کنند و آنها را از رفتن منصرف نمایند، در حالی که ظاهر حدیث این است که این حرف را از در خیر خواهی و مشورت زده اند. بنا بر این، روایت با آیه تطبیق نمی کند (ترجمه المیزان، ج ۹ : ۴۹۳).

۱۹، ۵. روایات دارای اشکالات متعدد

در الدر المنثور است که ابن منذر از ابن جریح روایت کرده که گفت: وقتی جبرئیل خبر مرگ رسول خدا (ص) را به وی داد عرضه داشت پروردگارا پس تکلیف امتم چیست؟ خطاب آمد: «وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ...» (الدر المنثور، ج ۴ : ۳۱۸).

علامه طباطبایی در نقد و رد روایت فوق می نویسد: سیاق آیات که سیاق عتاب است با این روایت سازگار نیست، علاوه بر این، این سؤال با شأن رسول خدا (ص) نمی سازد، از این هم که بگذریم، لابد خبر مرگ را در آخر عمر آن جناب داده اند و حال آنکه سوره مورد بحث ما از سوره های مکی است که در اوائل بعثت نازل شده است (ترجمه المیزان، ج ۱۴: ۴۱۲)

۳. نتیجه گیری

پس از بررسی و مطالعه ی بحث های روایی در بیست جلد تفسیر المیزان، این نتیجه حاصل شد که بحث های روایی تفسیر المیزان در برگزیده ی مباحث روایی بسیاری است که علامه طباطبایی روایات منقول در تفاسیر مختلف شیعه و اهل سنت به ویژه تفاسیر روایی - را به بحث و بررسی گذاشته است. یکی از این تفاسیر؛ تفسیر الدر المنثور سیوطی می باشد که بالغ بر هزار مورد در المیزان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. ایشان در بررسی های روایات الدر المنثور که غالباً ذیل بحث های روایی انجام شده است با توجه به ملاک های فقه الحدیثی از جوانب مختلفی روایات منقول و نظرات سیوطی را در معرض سنجش قرار داده و در پی تعیین صحت و سقم آن ها برآمده و آن چنان تخصصی و دقیق این مباحث را به عرصه ی بررسی و نقد کشانده است که گویی مولف المیزان محدثی ماهر است و از طرف دیگر آن چنان اجتهاد و نوع بهره گیری سیوطی در الدر المنثور را مورد بررسی و نقد قرار داده است که گویی یکی از اهداف مولف المیزان بررسی دیدگاه های تفسیری سیوطی می باشد. که در این بررسی ها به سه گونه نظر داده است: گاهی روایات و نظرات سیوطی را تأیید، گاهی نقد و رد و گاهی هم فقط نقل کرده است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه ی الهی قمشه ای (۱۳۸۶ش)، تهران، چاپ اول.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر قرآن، تهران، بنیاد بعثت.
- جوادی آملی عبدالله (۱۳۷۸ش)، تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳)، وسائل الشیعه الی معرفه المسائل الشریعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ پنجم.
- دمینی، عزم الله (۱۴۰۴ق)، مقایس نقدالسنه، الرياض، ناشره مولف، چاپ اول.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۱ ه ق)، الدر المنثور فی تفسیر الماثور، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ----- (۱۹۶۷م)، الاتقان فی علوم القرآن، قاهره، چاپ اول.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۹ ه ق)، معانی الاخبار، بیروت، انتشارات دارالمعرفه.
- ----- (۱۴۱۱ ه ق)، من لایحضره الفقیه، بیروت، انتشارات دارالتعارف.
- ----- (بی تا) خصال، تهران، انتشارات علمیه اسلامی،.
- ----- (۱۳۸۷ ش)، التوحید، قم، انتشارات جامعه مدرسین.

- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴ ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، (ترجمه ی سید محمد باقر موسوی همدانی)، قم، - دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش)، تفسیر مجمع البیان، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، التبیان فی تفسیر لقرآن، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ه ق)، کتاب التفسیر، چاپخانه ی علمیه ی تهران.
- فرزندوحی، جمال، ناصری کریموند، امان اله (پاییز ۱۳۹۰)، نقد و بررسی روایات الدر المنثور در تفسیر المیزان، مجله ی مشکوه، شماره ۱۱۲، سال سی ام.
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۸۹ ق)؛ اصول کافی؛ تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- قمی، علی بن ابراهیم (بی تا)؛ تفسیر القمی؛ قم، دارالکتاب.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ه)، بحار الانوار الجامعه لدرراخبار الائمه الاطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- مدیر شانه چی (۱۳۸۴ ش)، درایه الحدیث، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (دفتر انتشارات اسلامی).
- (۱۳۸۵ ش)، علم الحدیث، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (دفتر انتشارات اسلامی).
- مروتی، سهراب و امان اله ناصری کریموند (پاییز و زمستان ۱۳۹۱)، روش علامه طباطبایی در بررسی و نقد تفاسیر روایی با تکیه بر قاعده سیاق، مجله حدیث پژوهی کاشان، سال چهارم، شماره هشتم.
- معارف، مجید (۱۳۸۵ ش)، تاریخ عمومی حدیث، تهران، انتشارات کویر، چاپ ششم.
- معماری، داود (۱۳۸۴ ش)، مبانی و روش های نقد متن حدیث، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه ی علمیه قم.
- نفیسی، شادی (۱۳۸۴ ش)، علامه طباطبایی و نقد حدیث، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.